

آیت الله میرزا صادق مجتهد تبریزی

در سال 1274 ه. ق. در شهر تبریز در خانواده‌ای روحانی کودکی پا به عرصه وجود گذاشت و صادق نام گرفت پدر وی میرزا محمدآقا معروف به مجتهد کوچک خود صاحب کمال و عالمی فرزانه بود و در خطه آذربایجان نام‌آور و به علم و فضل شهرت داشت...



پناه محرومان میرزا صادق آقا تبریزی

در سال 1274 ه. ق. در شهر تبریز در خانواده‌ای روحانی کودکی پا به عرصه وجود گذاشت و صادق نام گرفت پدر وی میرزا محمدآقا معروف به مجتهد کوچک خود صاحب کمال و عالمی فرزانه بود و در خطه آذربایجان نام‌آور و به علم و فضل شهرت داشت. صادق در دامن چنین خانواده‌ای سنین کودکی‌اش سپری شد و روز بروز رشد کرد. وی در اوان نوجوانی وارد مدرسه علوم دینی گردید و تحصیلات ابتدایی را که شامل آشنایی با ادبیات، قرآن و سطح ابتدایی فقه و اصول بود فرا گرفت و 18 بهار از عمرش در این سامان سپری شد. تا اینکه در سال 1288 ه. ق. به حوزه علمیه نجف هجرت کرد و مدت اقامت او در نجف اشرف 24 سال طول کشید. و این مدت پربرترین دوره زندگی این عالم فرزانه بشمار می‌رود. شخصیت علمی و معنوی آقامیرزا صادق در این دوره از تاریخ زندگی‌اش شکل می‌گیرد و استعداد و روح تشنه او به دانش و معنویت به بار نشسته و سیراب می‌گردد و به قله اجتهاد دست می‌یابد. اساتیدی که آیت‌الله میرزا صادق تبریزی در دوره‌های مختلف تحصیل از آنها بهره برده است عبارتند از: آیات بزرگوار

- 1- شیخ حسین اردکانی (متوفای 1305 ه. ق.)
- 2- ملامحمد فاضل ایروانی (متوفای 1306 ه. ق.)
- 3- محمد فاضل شریبانی (متوفای 1322 ه. ق.)
- 4- محمدحسن مامقانی (متوفای 1323 ه. ق.)
- 5- شیخ هادی طهرانی (متوفای 1321 ه. ق.) بوده‌اند.

منزلت علمی آقا میرزا صادق

پس از فراغت از تحصیل هر چند آیت‌الله تبریزی در راس امور دینی مردم و مرجعیت عملاً اوقاتش صرف تبلیغ و ترویج احکام دینی اسلام سپری می‌گشت لکن اشتغال به این‌گونه امور وی را از تدریس و تحقیق و تالیف بازداشت و ایشان توانست در کنار این فعالیت همچنان به کار علمی خویش ادامه دهد. کتب و آثار ارزشمنند از ایشان در دسترس است از جمله:

(الف) آثار فقهی: آثار آیت‌الله مجتهد تبریزی در زمینه فقه عبارت است از:

1- شرح تبصرة علامه حلی 2- رساله شرایط عوضین-3 رساله در با 4- حاشیه بر وسیلة النجاة 5- رساله موسوم به فوائد در مسائل متفرقه فقه-6 واجبات احکام (ب) آثار در اصول فقه: دستاورد اصولی ایشان نیز عبارت است از 1- رساله الغریبه در مباحث الفاظ 2- مباحث مشتقات. همچنین آیه الله مجتهد تبریزی در زمینه مسائل دیگر نیز آثاری داشته و نظرات بسیار عمیق و قابل توجهی نیز در مسایل حقوق و داد و ستد ارائه کرده است در کتاب مبانی حقوق آمده است «آیه الله مرحوم میرزا صادق آقا تبریزی از دانشمندان معاصر اسلامی در ایران است».

همچنین صاحب الذریعه می‌نویسد: جمعی کثیر از حوزه درس او فارغ التحصیل شده‌اند که در میان آنان برخی امروزه صاحب وجاهت و مکانت علمی هستند و اصولاً آقامیرزا صادق آقا خود را وقف سودرسانی تدریس و نشر احکام اسلامی کرده است.

مکتب معنوی و اخلاقی

چنانچه زندگی علمی و دانش و فضل آیه‌الله مجتهد تبریزی در این فرصت نمی‌گنجد پرداختن به ویژگیهای روحی و اخلاقی وی نیز فرصت بیشتری می‌طلبد و ابعاد گوناگون زندگی ایشان را نیز نمی‌توان در این مختصر بیان کرد. رفتار و کردار این مرد بزرگ در طول زندگی خویش بویژه در دوران مرجعیت و زعامت در آذربایجان و نفس قدسی وی در تبلیغ و ترویج احکام اسلام بسیار مؤثر بود و ایشان در ایجاد جامعه دینی و مذهبی در آن خطه نقش بسیار عمده داشتند با وجود سپری شدن بیش از نیم‌قرن از رحلت ایشان هنوز هم یاد آیه الله میرزا صادق تبریزی در بین مردم خطه آذربایجان زنده است و از زندگی این عالم وارسته که زندگی زاهدانه و سلوک عارفانه‌ای داشته با احترام و عظمت یاد می‌شود.

تبلیغ و ترویج احکام اسلامی و همچنین رهبری مردم در آن روزگار آشفته بازار فرقه‌گرایی و تفرقه افکنی خود صهیغه بلندی از بزرگی و عظمت روحی یک انسان وارسته چون حضرت ایشان است که باید خود جداگانه به عنوان الگوی حیات برای همه انسانهای پیشرو در هدایت و رستگاری جوامع بشری نگاشته و ارائه گردد. یکی از ویژگیهای این انسان وارسته و عالم فرزانه این است که او در عین اینکه آیه‌های عرفان و زهد را به تفسیر می‌نشیند به جامعه‌ای نیز می‌اندیشد که زمینه‌ای تکاملی و رشد و تعالی را برای بشر فراهم می‌آورد یعنی مبنای پیوند دین و سیاست از نظر آیه‌الله میرزا صادق آقا تبریزی که به جهت همین هدف و ادای خویش و نیز تن به مرارت و سختی می‌دهد این است که معرفت و سلوک راه خدا و عمل به احکام الهی در سایه حاکمیت نظام عدل و انصاف است که تحقق و شکوفایی پیدا می‌کند و نتیجه‌بخش می‌گردد و الا در غیر این صورت به دین بیش از حد شعار، میدان فعالیت داده نخواهد شد و به مرور همه عرصه‌ها بر روی آن تنگتر خواهد شد. در این نوشتار بجاست ما سخن کوتاه کنیم و ابعاد شخصیتی وی را در زمینه‌های گوناگون در نوشته‌های بزرگانی چون علامه امینی بخوانیم که می‌نویسد: او یکی از چهره‌های درخشان تشیع و از جمله دانشمندان متشخص امامیه است که در آذربایجان به مرجعیت تقلید رسید و سالها صاحب ریاست و زعامت دینی گردید. زعمی که در اداره امور حسن تدبیر و در قضاء و داوری دادگری و در اظهار نظر ثبات و پایداری و استواری نشان می‌داد و در او یکی از چهره‌های درخشان تشیع و از جمله دانشمندان متشخص امامیه است که در آذربایجان به مرجعیت تقلید رسید و سالها صاحب ریاست و زعامت دینی گردید.

اصلاح جامعه برنامه‌هایی پیشرفته ارائه می‌نمود او همواره با هوشیاری و دوراندیشی و تحمل مشتقات و مرارتها مردم را رهبری می‌کرد و در مبارزه با کفر و الحاد از سختی‌ها و تلخی‌ها نمی‌هراسید و پیوسته با پند و اندرز و سخنان گیرا و نافذش بار مسؤولیت را به دوش می‌کشید.

همچنین در احسن الودیعه آمده است: آقا میرزا صادق یکی از علمای بزرگ ایران و از جمله مراجع تقلید شیعه امامیه در عصر حاضر است که صاحب ریاست عامه و

مرجعیت نام است و حکومت ایران به دنبال انقلابی که در شهر تبریز رخ داد وی را به برخی بلاد تبعید نمود.

سید حسن امین نیز از او به بزرگی یاد کرده می‌نویسد: او فقیهی بود مجتهد، مرجع تقلیدی محبوب، انسانی زیباروی و نیکو معاشرت بود، واعظ و سخنوری دارای سعه صدر و فریحه شعر بوده است...

مکتب اخلاقی و تربیتی

آیه‌الله مجتهد تبریزی در عرصه‌های مختلف زندگی پیشتاز بود و عمر خویش را در خدمت به جامعه دینی سپری ساخت. او همان‌گونه به سرنوشت جامعه می‌اندیشید، دغدغه رشد و تعالی امت اسلامی را داشت و همچنین سخت نگران اوضاع اسفبار اقتصادی و فقر و بدبختی مردم زمان خویش بود. او بکه و تنها برای سامان دادن به وضع مردم در زمینه‌های مختلف قامت قیام بست. در شهر تبریز معروف است که می‌گویند خانه آقا میرزا صادق به روی همه باز بود. پناهگاهی بود برای فقرا و نیازمندان، و پایگاهی برای دردمندان و اندیشه‌وران که به دین و مصالح مسلمین می‌اندیشیدند. همچنین دیوانی برای حل مشکلات مردم. در زندگی آیه‌الله تبریزی دو ویژگی بسیار برجسته وجود داشت، نخست اینکه ایشان بسیار سخت‌کوش و در اهداف دینی خویش استوار بودند. دوم عشق و علاقه ایشان به مردم، و به عبارتی وجهه مردمی ایشان بود. به نوشته محمد مجتهدی، «... حاج میرزا صادق آقا پس از رحلت حاجی میرزا حسن مجتهد، از حیث نفوذ و وجهه در درجه اول واقع شد چنانچه در شب عید فطر مردم از نصف شب به مسجد او می‌رفتند و برای خود جا

ملا علی خیابانی نیز که محضر این بزرگوار را درک کرده است می‌نویسد: چنان صاحب حزم (هوشیار) بود که کسی نمی‌توانست در امری به ایشان دخالت و غلبه بنماید و نطق نمی‌کرد مگر به چیزی که نفع بیخشد برای مردم دردین و دنیای ایشان... همچنین آقا بزرگ تهرانی می‌نویسد: او وجود خویش را وقف تدریس، نشر احکام و سوادسانی و رفع نیاز نیازمندان و مبارزه با بدعتها، بی‌دینها و پاسداری از مقدسات دین و جهان اسلام کرد. و در این راه با سختیها و موارثهای زیادی روبه‌رو گردید و تحمل کرد. که کوه تحمل آن را نداشت.

حوادث عصر مجتهد تبریزی

در زمان مرجعیت مجتهد تبریزی اسلام به طور کلی دین مشکلات زیادی داشت از یک سو توطئه همه جانبه دشمنان اسلام هر روز گسترده‌تر می‌گردید و پیکره جهان اسلام را تجزیه و پاره پاره می‌کرد و از سوی دیگر تهاجم گسترده فرهنگی دشمن بر علیه دین بود که با همه توان، تلاش در نابودی ارزشهای دینی و اسلامی در جوامع اسلامی بخصوص در جامعه دینی ایران داشت. عالمان دینی روز را شب و شب را صبح می‌کردند در حالی که درگیر فرقه‌ها و گروهکهای دینی بودند که قارچ‌گونه از گوشه و کنار این کشور سربلند کرده و دامن دین را لکه‌دار می‌ساختند یک روز وهابیت بود که از دین تفسیر غلط به جامعه عرضه می‌کرد و موجب رویگرداندن قشر روشنفکر از دین می‌گردید، یک روز بهائگری قد علم می‌کرد و جوانان این مرز و بوم را به دام فساد می‌کشاند و یک روز غرب‌گرایی و غرب‌ستایی با هزاران حيله و نیرنگ به بی‌هویتی این مردم می‌اندیشید و این مسائل برای عالم دینی چون آیت‌الله مجتهد تبریزی سخت و طاقت‌فرسا بود.

حوادث سیاسی

در اوائل قرن سیزدهم ه. ق. ایران حوادث و وقایع تلخ و شیرین زیادی به خود دیده است. جریان مشروطیت که در نیمه اول این قرن در ایران مطرح گردیده و به ظاهر نیز به پیروزی رسید عامل جریانات بسیار زیادی گردید. از همان دوره پیروزی مشروطیت به خلع فرزندان قاجار از حکومت انجامید و زمینه برای به قدرت رسیدن عوامل بی‌ریشه‌تر و نوکران گوش به فرمان استعمارگران در ایران فراهم شد. جریانات مهمی در این سرزمین شکل گرفت. با شهادت شیخ فضل‌الله نوری به اتهام مخالفت با مشروطه آن هم با دهها حيله و نیرنگ آسیب زیادی متوجه حوزه‌های علمیه و مراجع تقلید گردید. دشمنان دین از یک سو تلاش کردند فرمان شهادت آیت‌الله شیخ نوری را به علمای پیشرو مشروطه نسبت داده و موجب تفرقه در بین آیات و بزرگان مراجع گردند و از سوی دیگر قصه جدایی دین از سیاست را ساخته و زمینه انزوای دین و کناره‌گیری علمای دین از سیاست را فراهم آوردند.

رضاخان در سال 1299 ه. ش. (مطابق 1339 قمری) با راهنمایی و فراهم ساختن زمینه توسط عوامل بیگانه به خصوص بریتانیا دست به کودتا زد و بسیاری از عناصر روشنفکر دینی را دستگیر و سر به نیست کرد و به زودی یعنی در سال 1304 ه. ش. با قانونی خواندن خود به عنوان شاه ایران دست به اجرای برنامه‌های استعمار زد. وی که به فرمان اجانب و مامور زمینه‌سازی برای ورود فرهنگ بیگانه به کشور بود از دین و حوزه‌های علمیه آغاز کرد. کشاندن طلاب علوم دینی از مدارس علمی به سربازخانه‌ها و دستبرد به فرهنگ دیرینه این ملت و تبدیل لباسهای سنتی ایران به لباسهای مد روز غرب و به مرور زمان ظهور بانوان با کلاه و برهنه در خیابانها و جمع‌آوری چادر و حجاب‌های زنان نیز در راستای همین اهداف شوم انجام می‌گرفت.

داستان تبعید

در جریان قلع و قمع حوزه‌های علمیه و دستگیری و کشاندن طلاب علوم دینی به پادگانها و از طرفی جریان کشف حجاب که عملا با حضور خانواده رضاخان در مجامع عمومی بدون حجاب از سال 1307 آغاز گردید و بالاخره چند سال طول نکشید که به طور رسمی در همه ایران اجرا گردید مراجع و عالمان بزرگ دینی به پاسداری از این ارزش اسلامی برخاسته و مبارزه‌ای گسترده با دولت را آغاز کردند علمای قم، علمای شیراز، علمای مشهد و اصفهان و علمای تهران و تبریز هر کدام با اجرای راهپیمایی‌ها و تجمعات مردم را از هجوم گسترده دشمن آگاه ساخته و دین‌ستیزی رضاخان را محکوم کردند. در این وقایع آیت‌الله میرزاصادق آقا در تبریز به عنوان مجاهد پیشرو در مبارزه با دین‌ستیزی رضاخان مردم آذربایجان را رهبری کرد. وی پس از شنیدن وقایع دردناک هجوم به مدارس علمی در حوزه‌های علمیه قم و دستگیری طلاب و با علنی شدن تبلیغات ضد اسلامی رضاخان در تبریز دولت رضاخانی را به باد انتقاد گرفت و از رفتار و کردار عوامل حکومت، اظهار انزجار و اعلام خطر نمود و این بود که رضاخان دستور داد آیت‌الله میرزاصادق آقا را گرفته و به تبعیدگاه روانه ساختند. داستان تبعید وی در کتب تاریخی به گونه‌های مختلف آمده است. کتاب معارف الرجال در خصوص مبارزات و تبعید ایشان اشاره کرده می‌نویسد: او کسی بود که بر بالای منبر رفته و آنچه که پهلوی با علما و دین انجام می‌داد برای مردم مطرح می‌کرد و لذا عوامل پلیس او را دستگیر و نخست در همدان و سپس به قم تبعید نمود...»

در برخی منابع چون کتاب علمای معاصرین این‌گونه آمده است که وی «بنا به موخبی به بلده سنندج مقر حکومت کردستان مسافرت فرمود!!...» و سپس اضافه می‌کند که اهالی آنجا با اینکه از جماعات عامه و اهل سنت شافعی هستند به زیارت او آمدند و تکریم و تجلیل به جای آوردند و علمای ایشان هر روز می‌آمدند و به قدوم وی در بلدشان افتخار می‌نمودند حتی شیخ اجل شیخ شکرالله امام جمعه سنندج گفت اگر ذیح ولد شرعی بود من یکی از اولادم را ذیح می‌کردم.»

امام خمینی(ره) نیز در خصوص وجود اختناق آن زمان و منکرهای رضاخانی اشاره می‌کند و در ارتباط با تبعید مجتهد مجاهد تبریز می‌گوید:

«... با دست رضاخان شروع کردند به کوبیدن روحانیون. عمایه‌ها را برداشتن و مدرسه‌ها را جلویس را گرفتن لباسها را تغییر دادن با آن شدتی که انسان شرم می‌کند که چه کردند با این طایفه و این هم به اسم اینکه می‌خواهیم اصلاح بکنیم با اسم اینکه همه ایران یک رنگ باشند ملت ما کذا باشد با این حرف‌های ناروا این قدرت را هم می‌خواستند بشکنند و شکستند در آن وقت و سخت هم شکستند چند قیامی که در ایران از جانب روحانیون شد که یکی از آنها از اصفهان بود... این را هم با حيله و

قدرت شکستند چنانچه قیام آذربایجان و علمای آذربایجان و قیام خراسان اینها را هم با قدرت شکستند ... و علمای تبریز را دو نفر شخصی که در راس بود از آنجا گرفتند و بردند گمانم این است که در «سقز» آنجا مدتی تبعید بودند و بعد هم که اجازه رفتن را دادند و مرحوم حاج میرزاصادق آقا که شخص اول آن وقت روحانیت تبریز بود آمد و در قم ماند و در همین جا هم ماندگار شد و دیگر نرفت. آنجا می‌رفت هم کاری نمی‌توانست بکند.»

غروب در غربت

آیت‌الله مجتهد تبریزی این مرد بزرگ که از جریان مشروطه تا عصر دیکتاتوری رضاخان که زندگی‌اش به ناآرامی و تلاش در راه آگاهی و دمیدن روح مقاومت مردم در مقابل تهاجم دشمنان عرصه‌های مختلف سپری گردید بالاخره در ششم ذی‌القعدة سال 1315 هـ. ق مطابق 1331 هـ. ش چراغ عمرش خاموش گردید و جامعه اسلامی را در غم و اندوه فرو برد. نماز بر وی را آیت‌الله شیخ ابوالقاسم کبیر خواند و انبوه جمعیت که دلداه راه و مرام ایشان بودند وی را تشییع نمود و در جوار حرم فاطمه معصومه (س) به خاک سپردند. به نوشته صاحب «علماء معاصرین» مراسم تشییع در روز جمعه انجام گرفت و مردم زیادی در آن حضور یافتند و آیت‌الله حائری یزدی در قم و سایر بزرگان در شهرهای دیگر نیز برای او مجالس ختم برگزار کردند. وی همچنین به ازدحام جمعیت و خوف حکومت از این ازدحام که منتهی به تعطیلی برخی مجالس شده است اشاره می‌کند.

سعید عباس‌زاده